

بررسی و طبقه‌بندی دوره‌های نقاشی خط محمد احصایی با رویکرد خوشنویسی سنتی و مدرن

احد روان‌جو^۱

۱. استادیار گروه گرافیک، دانشکده هنر، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

Email: ahadravanjoo@scu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲، ۱۲، ۲۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳، ۳، ۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳، ۴، ۷

چکیده

مقدمه: جایگاه هنرمندان، خوشنویسان و حرفه‌مداران باتبحر و کاردان که محمد احصایی یکی از اینهاست همواره مورد تقدیر و تحسین بوده است. وی، خوشنویسی چیره‌دست و دارای تجاربی ارزشمند در عرصه خط و نقاشی خط است که سابقه روشنی در خط و خوشنویسی دارد و مسیر حرکت از خط سنتی به نوگرا و نقاشی خط را اندیشه‌ورزانه و آرام و با حوصله طی کرده است. او شیوه‌ای در نقاشی خط خود دارد که بنابه سیر تحول آثارش در پهنه هنر ایران منحصر به خود او و برخاسته از اعتقاد به مفاهیم عرفانی، آیات قرآن و احادیث است. برای احصایی رعایت اصول و قواعد خوشنویسی و محتوای واژه‌ها اهمیت داشته و آثارش در فضایی مسحورکننده با توازن سیال در فضاهای سواد و بیاض شکل گرفته است. در سیر رو به رشد او مراحل طی شده از هنر سنتی تا سکولار دیده می‌شود که در پژوهش حاضر به واکاوی آثار وی که گستره‌ای از سنت تا مدرن را دربر می‌گیرد، پرداخته می‌شود. پرسش اصلی این است که آثار وی چگونه طبقه‌بندی می‌شود و چه ویژگی‌های منحصر به فردی دارند؟ هدف پژوهش حاضر شناخت و طبقه‌بندی آثار سنتی و مدرن محمد احصایی و نیز بازشناسی عناصر سنتی خوشنویسی به‌عنوان آرایه‌ای از سنت با کاربری مناسبات هنر مدرن است.

روش پژوهش: شیوه پژوهش حاضر کیفی بوده و از منابع مکتوب و متون کتابخانه‌ای همراه با مطالعه بصری آثار تجسمی هنرمند بهره برده است.

یافته‌ها: دست‌آورد پژوهش حاضر چنین است که شکل‌گیری زیست‌جهان احصایی در دوره معاصر در دو ساحت سنتی و مدرن به فراسبک بودن این هنرمند دلالت دارد و شگفت این است که همزمان که هنرمند اثر سنتی خود را در قالب سیاه‌مشق یا «الفبای ازلی» می‌نگاشته به آفرینش هنر سکولار پسامدرن هم اقدام کرده و بدون ایجاد تناقض در دو ساحت کنشگری فعال بوده است.

نتیجه‌گیری: فضای شکل‌گیری خط و خوشنویسی احصایی تحت تاثیر مکتب هنرمندان نوگرا و همزمان با شکل‌گیری مراکز دانشگاهی مدرن ایران و نیز در پی ارتباط آسان آن زمان هنرمندان ایرانی با دیگر هنرمندان جهان شکل گرفته و این زیست‌جهان جدید در کنار تدریس در دانشگاه و آموزه‌های گرافیک مدرن و پیوند آن با خطوط سنتی احصایی را به مسیری متمایز از هموندان خود برد، مسیری که تا حدودی از پیلارام و زنده رودی و دیگران متفاوت بود.

کلیدواژه

محمد احصایی، خوشنویسی سنتی، نقاشی خط، مکتب سقاخانه، هنر سکولار

ارجاع به این مقاله: روان‌جو، احد. (۱۴۰۳). بررسی و طبقه‌بندی دوره‌های نقاشی خط محمد احصایی با رویکرد خوشنویسی سنتی و مدرن. پیکره،

۱۳(۳۷)، ۱-۱۹.

DOI: <https://doi.org/10.22055/PYK.2024.19239>



©2024 by the Authors. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

مقدمه و بیان مسئله

هنر خوشنویسی سیر پرفراز و نشیبی را در تحول و تطور از پیدایش، تکامل و ورود به هنر مدرن طی کرده است. هنری که هسته مرکزی و هویت بخش برای هنرهای مرتبط با کتاب‌آرایی قلمداد می‌شود. خوشنویسی هنری که ارج، اعتبار و تقدسش را از نگارش کلام الهی می‌ستاند و در گسترش دانش و فرهنگ مهمترین واسطه محسوب می‌شود. به گواهی تاریخ، سنت کارگاهی کتاب‌آرایی در دوره ایلخانان و تیموریان نهادینه شد. این سنت از مکتب هرات و شیراز در سده نهم هجری قمری در عهد تیموری رونق گرفت به مثابه قالب کتاب‌آرایی ایرانی بود. خط فارسی نستعلیق در مکتب هرات با ابداع خلاقانه «میرعلی تبریزی»^۱ و با کوشش مجدانه «سلطانعلی مشهدی»^۲ و «میرعلی هروی»^۳ و غیره تثبیت و در دوره صفوی با هنرمندان برجسته‌ای چون «باباشاه اصفهانی»^۴، «میرعماد حسنی قزوینی»^۵ و «علیرضا عباسی»^۶، «عبدالرشید دیلمی»^۷ و دیگران به اوج شکوفایی رسید. در دوره قاجار، با تلاش «میرزا محمدرضا کلهر»^۸ خط نستعلیق با صنعت نوپای چاپ سنگی سازگار شد و سیاه‌مشق تمرینی در دستان باکفایت «میرزا غلامرضا اصفهانی»^۹ به اثر هنری مستقل و نوظهور بدل شد. همچنین خط شکسته با «سید علی اکبر گلستانه»^{۱۰} و «درویش عبدالمجید طالقانی»^{۱۱} به اوج شکوفایی و توانمندی نائل آمد. در دوره پس از قاجار، با تلاش «عمادالکتاب سیفی قزوینی»^{۱۲} و شاگردانش، برادران «میرخانی»^{۱۳} و دیگر استادان «انجمن خوشنویسان ایران»^{۱۴} بنیان گذاشته شد و هنری که از آغاز با سنت آموزش استاد- شاگردی قوام یافته بود، با پی‌ریزی نظام آموزش سنتی آن در انجمن خوشنویسان در میان مشتاقان این خط فراگیر شد. هرچند هنرمند شدن با خوشنویس بودن فاصله بسیار دارد اما انجمن خوشنویسان آموزش فنون خطاطی را به فراگیران آموخت و بخشی از جریان هنر خوشنویسی پس از تأسیس انجمن خوشنویسان به رونق مکتب سقاخانه منتهی شد. محمد احصایی هنرمندی برآمده از این تحولات در میانه این دو جریان قرار داشت. هدف و انگیزه نگارش پژوهش حاضر بررسی، واکاوی و شناخت دوره‌های گوناگون هنر محمد احصایی به‌عنوان یکی از مطرح‌ترین هنرمندان معاصر ایران است که افزون بر استادی در خوشنویسی در شیوه سنتی، از دهه ۴۰ خورشیدی تاکنون با رونق گرفتن مکتب سقاخانه، به آفرینش آثار هنری نقاشی خط، با مرکزیت عناصر خوشنویسانه، پرداخته است. او همه تجربه‌های دوره‌های سنتی تا مدرن خوشنویسی را در خود دارد و درون‌مایه آثارش بازنمای هنرمندی پخته در شیوه سنتی و ناآرام، جست‌وجوگر و خلاق و پویا در مسیر مدرنیسم است. در تعریف هنر سنتی آمده هنری است که در گفتمان سنت‌گرایان به مفاهیم و مضامین آن خرد و معنویت اطلاق شود؛ به عبارت دیگر هنری که زائیده مفاهیم بنیادین عصر سنت باشد و با تحولات آن به رشد و شکوفایی برسد، چنین سلوکی، هنرمند خوشنویس را در این گفتمان و در مهد فرهنگ سنتی مستغرق کرده، و در نوعی منش عارفانه که به بازتولید هنری در هنجارهای اندیشه‌ورانه و حکمت‌آمیز دوره سنت بپردازد، شریک می‌کند. هنر احصایی در پرتو این آموزه‌های سنتی و شعائر دینی در بخش‌های گوناگون و دوره‌های زیست هنری او شکل گرفته است. از این رو می‌توان ادعان داشت در دوره‌های طی شده در زیست هنری احصایی او همچنان به لحاظ ذهنی بر مفاهیم اندیشه‌ورانه و حکمت‌آمیز سنت پا می‌فشارد و در بخش‌های متفاوت کار خود تفکر سنتی‌اش را مصرانه زنده نگه داشته است. پرسش اصلی پژوهش این است که آفرینش هنری محمد احصایی به چه دوره‌هایی بخش می‌شود و محورهای مفاهیم و مضامین آثار او بر چه موضوعاتی قرار می‌گیرد؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر کیفی بوده و از منابع مکتوب تخصصی و کتابخانه‌ای بهره برده و همچنین از خوانش بصری و بررسی آثار به نتایج خود رسیده است. جامعه آماری این پژوهش شامل آثار خوشنویسی سنتی، مدرن و سکولار محمد احصایی منتشر شده در وبسایت هنرمند و حراج تهران است.

پیشینه پژوهش

در بررسی پژوهش‌های انجام شده در حوزه پژوهش حاضر می‌توان به آثار زیر اشاره کرد: «آغداشلو» (۱۳۸۲) گفت‌وگوی بلندی که با «علیرضا هاشمی‌نژاد» در نه بخش، در کتاب «زمینی و آسمانی» انجام داده، در باب فنون کتاب‌آرایی، خوشنویسی و جایگاه آن در فرهنگ ایران مطالب ارزشمندی بیان کرده است. این کتاب به خوشنویسی از ابتدای صدر اسلام تا دوره معاصر و همچنین وضعیت تاریخی و زیبایی‌شناختی آن پرداخته است. آغداشلو به رشد و گسترش خط نستعلیق پرداخته و به دوره‌های تحول آن، به‌ویژه در قاجار، نیز اشاره می‌کند. «قلیچ‌خانی» (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان «نقاشی، نقاشی خط یا خط‌نقاشی»، درباره دو مفهوم مشابه گفته شده در عنوان آن می‌نویسد: نقاشی خط و خط-نقاشی دو اصطلاح متفاوت هستند که باید در کاربردشان دقت کافی داشت. هر دو دارای پیشینه‌ای کهن هستند و با توجه به نیازهای امروزی، باید بیش از پیش به آن‌ها پرداخت؛ توجه از دو جنبه کاربردی و نظری. باید با توجه به نیاز امروزی مخاطبان، قابلیت‌های این هنرها را بیش از پیش شناسایی کرده و به‌خلق آثار فاخر دست زد. «کشمیرشکن» (۱۳۹۴) در کتاب «کنکاشی در هنر معاصر ایران» به نقاشی در مکتب سقاخانه به‌عنوان هنر معاصر ایران می‌پردازد و ریشه نقاشی خط را متأثر از جنبش هنر نوین غرب می‌داند. او جنبش نقاشی خط را به دو گروه عمده سنت‌گرا و سکولار بخش می‌کند. «روانجو» (۱۴۰۱) در مقاله‌ای به عنوان «جستاری در جنبش هنر نوگرایی ایران در نقاشی خط (بر پایه گرایش به سویه‌های هنر سنتی و مدرن)» می‌گوید نقاشی خط در پیروی از جنبش مدرن «لتریسم» در غرب، در جنبش سقاخانه با رویکردی هویت‌محور با استقبال گسترده‌ای از سوی هنرمندان مواجه شد که به دو گونه سنتی و نوگرا یا رویکرد خوشنویسانه و نقاشانه بخش شده است. «مجبایی» (۱۳۹۰) نیز در مقاله‌ای با عنوان «چند و چونی در آثار محمد احصایی»، به تحلیل آثار محمد احصایی می‌پردازد. او آثار احصایی را در قالب تجربه‌های خلاق و متنوع نقاشی خط ارزیابی می‌نماید. آثار ثلث و نسخ سنتی احصایی حاوی آیه یا شعر و عبارتی ادبی است. در این کارها هنوز میان خط با ادبیات و آیین، رابطه‌ای سنتی برقرار است که در آن سنت خوشنویسی معنامحور با فرم آن مرتبط است. بنابراین، بیان ادبی بر کارهای او مسلط است. در این آثار، حروف با ساختی موزون و بافتی خلاق کنار هم می‌نشینند، با ریتم و آهنگی موزون، بافتی تازه و خوشایند. هر یک از این تابلوها انگار کتیبه‌ای است بلند و فشرده با زیبایی و ظرافت تاریخی که کارهای استادان پیشین را در خود باز نشان کرده‌اند. همچنین «فولادوند» (۱۳۹۰) در مقاله «محمد احصایی، کندوکاوی مدرنیستی در فرم و محتوای خطاطی» به زیربنای فکری و اندیشه‌ورانه که بر پایه تفکر سنتی استوار است صحنه می‌گذارد و کاربرست آثار احصایی را که با تسلط بر ابزار و تکنیک‌های مدرن و با تأکید بر بافتارهایی که اجرا و نمود سنتی و مدرن دارد، بیان می‌کند. فولادوند به برخی از نشانه‌های احصایی هم‌گریزی می‌زند و آن‌ها را در شمار آثار سنت‌گرای او می‌نهد. در این راستا، هیات تحریریه رشد هنر نیز به دیدار محمد احصایی رفته و در گفت‌وگویی با عنوان «آینه‌ای روبه‌روی پنج‌دهه هنر نقاشی-خط، پای صحبت استاد محمد احصایی» (۱۳۹۶) به شکوفایی او در سنت خطاطی به‌عنوان یکی از بنیانگذاران هنر معاصر پرداخته‌اند. در این

گفت‌وگو احصایی سلوک هنری خود را در فراگیری خوشنویسی و همراهی با «رضا مافی» به‌خاطر می‌آورد و همراه با بیان تجربه‌های سیاه‌مشق مافی، کنش و جست‌وجوگری او را بسیار مؤثر در شناسایی و کشف «میرزا غلامرضا» و سیاه‌مشق‌های هنری‌اش می‌داند که قدرت قلم «میرعماد» را به‌یاد می‌آورد. «قلیچ‌خانی» (۱۳۹۴) هم در مطلبی با عنوان «نقاشی - خط در گفت‌وگو با استاد سید محمد احصایی» درباره کیفیت آثار نقاشی خط و ارتباط آن‌ها با مخاطب، با محمد احصایی، گفت‌وگو کرده است. در این گفت‌وگو محمد احصایی با ترجیح خط ثلث در کار بست عناصر خوشنویسانه در نقاشی - خط می‌گوید: در درجه نخست این خط ثلث است که امکان کار بسیاری می‌دهد. نکته جالب‌تر آن‌که می‌توان به آن یک روایت شخصی داد و همچنین هر اثر گرافیکی که اجرا می‌شود پیامی است میان اثر و مخاطب که جهت درک اجتماعی کار می‌شود. اصالت و ارزش هر اثر به کوشش و دانش هنری خالق آن برمی‌گردد. و در آخر، «علی‌محمدی اردکانی و پژوهش‌فر» (۱۳۹۴) نویسندگان مقاله‌ای با عنوان «تحلیل بازنمود رویکرد سنت‌گرا در آثار نقاشی خط دهه هشتاد ایران» هستند که ابعاد نقاشی خط را در دهه هشتاد مورد بررسی قرار داده‌اند. آن‌ها نقاشی - خط را هنری با رویکرد سنت‌گرا می‌دانند. سنت‌گرایی جریانی است که گرایش آن بازگشت به سنت برای بازسازی هویت است. دستاوردهای مقاله مورد نظر دلالت‌گر روایت مفاهیم سنتی بوده که زیر تأثیر شرایط بازار هنر و رونق فروش آثار نقاشی - خط در حراج‌های خاورمیانه در دهه ۸۰ قرار داشته و بر گرایش به نقاشی - خط با محدودیت‌های چارچوبی در رویکرد سنت‌گرا افزوده است و بیشتر آثار را از بعد معنایی تهی و به‌خلق یک اثر تجسمی زیبای بازارپسند نزدیک کرده است. از مطالعه پیشینه‌هایی که در بازنگری آثار محمد احصایی و واکاوی اندیشه مبنایی آن مطرح شد، می‌توان نتیجه گرفت که احصایی در کار خود هنرمندی سنت‌گراست که به‌شکل کاملاً هوشمندانه‌ای با شناخت دقیق تکنیک‌ها و فنون سامان‌دهی به اثر هنری در دوره مدرن، از ابزار و مصالح هنری، به‌خوبی بهره برده و از مؤلفه‌های خوشنویسانه به‌کار رفته در آثارش در راه بازنمود فضایی که در رویکرد هنر سنت‌گرا به‌عنوان دلالت‌گر مفهوم سنت مطرح می‌شود، استفاده می‌کند. در نتیجه جمع‌بندی مطالب، او کوشش خود را در بازنمایی فضای سنتی - مدرن خوشنویسی در هنر معاصر انجام داده است. آثارش در راستای هستی‌شناسی هنر ایرانی بوده و دارای ماهیتی تزئینی است.

واکاوی فرامتنی آثار نقاشی خط

در بررسی و تبارشناسی آثار نقاشی - خط مکتب سقاخانه می‌توان به سبک آبستره و مباحث آن رجوع کرد که از جمله آن جنبش لتریسیم^{۱۵} و تاشیسیم^{۱۶} در جریان‌ات هنری اروپا است. بررسی جنبش هنری لتریسیم در هنر معاصر غرب، برای شناخت ریشه آثار مدرن و معاصر ایران بر مبنای خوشنویسی بسیار مهم است. جریان لتریسیم یا خوشنویسی انتزاعی در میانه‌های قرن بیستم میلادی، شامل گروهی از هنرمندان مدرن غربی از نمود و فرم خوشنویسی شرق دور با گرایش‌های اکسپرسیونیستی^{۱۷} خط تأثیر پذیرفته است. «خوشنویسی، به‌ویژه در فرهنگ‌های شرقی، همیشه هنری مهم بوده و سرشت اصلی خود همانقدر که یک هنر زبانی بوده است، یک هنر دیداری به‌معنای انتقال احساسات شخصی از طریق حرکت دست یا یک وسیله بیانی نیز به‌حساب می‌آمده است. بدین‌سان پیام کلی هنرمند، هم از لحاظ دیداری و هم از جهت زبانی، انتقال می‌یافته است. تا حدی عین این حرف‌ها را درباره طراحی حروف نیز می‌توان گفت، هرچند که در این مورد محدودیت‌های فنی و مکانیکی طراحی و ترکیب‌بندی و چاپ حروف نیز در کار است» (آرناسون، ۱۳۷۵، ۵۸۶). از مهمترین سبک‌های برآمده از بافتار جریان انتزاعی سده بیستم، تاشیسیم و لتریسیم بود. لتریسیم‌ها در تهی‌نمودن واژه از مفهوم، در لتریسیم تأثیر گرفته

از دادائیسیم^{۱۸} بود. در لتریسیم گاه تکرار واژه‌ها، گاه تنها تهی کردن از معنی، گاه نمادپردازی مورد نظر قرار می‌گیرد. واژه‌ها در قالب قلم‌ها یا کالیگرافی^{۱۹} (خوشنویسی) یا اشکال دیگر در کاربست هنر تجسمی جای می‌گیرد. در این آثار واژه‌ها با نگاهی نوستالژیک و سحرانگیز در بافتار و ساختار اثر هنری شکل می‌پذیرد و شکل ظاهری و صوری عناصر خوشنویسانه مورد نظر قرار می‌گیرد. مکتب سقاخانه در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ خورشیدی با بهره‌مندی از عناصر خوشنویسانه که در کاربرد آن‌ها در پدیده‌هایی چون ادعیه، اوراد، طلسم و تعویذ چشم‌زخم دیده می‌شدند، توانستند پلی میان سنت و مدرن بزنند و با حذف روایت و وجه ادبیت واژگانی بر سطح بوم نقش بپذیرند. هنرمندان سقاخانه با این شیوه مواجهه فرمی با صورت واژه‌ها و با کاربست مدرن اثر هنری به آفرینش اثر هنری دست زدند. آن‌ها با مراجعه به آرای اندیشمندان سنت‌گرایان، بر بنیان اندیشه بازگشت به خویشتن و جست‌وجوی هویت، مبنای ذهنی خود را یافته بودند. آثار نقاشی - خط مکتب سقاخانه، آثاری تزئینی - واژگانی بودند که برپایه نمود دیداری حروف و کلمات در کاربست فرم‌های تکرارشونده، هندسی، دایره‌وار، فضاهای پر و خالی و ... که یادآور نقش گنبد‌ها، کتیبه‌ها و شمشه‌های پر از نقش و نگار هنر اسلامی بوده، صورت پذیرفته‌اند. «هنرمندان معاصر» انواع خط فارسی، نقوش و رنگ‌های کاشی و قالی و نگاره‌های روستایی و عامیانه را با شیوه‌های نو درآمیختند. کار اینان «سقاخانه» نام گرفت، زیرا چنین می‌نمود که پیوندی با فرهنگ مذهبی و هنری گذشتگان دارد» (پاکباز، ۱۳۷۸، ۵۹۶). البته در دوره‌های هنر اسلامی وجود خوشنویسی در هنرهای کتاب‌آرایی، کتیبه‌نگاری، پارچه‌ها و آرایه‌بندی بافته‌ها و مانند آن مقوم این ایده بوده است.

محمد احصایی هنرمندی با توانایی آفرینش آثار سنت در دوره مدرن

محمد احصایی چنانکه خود اذعان داشته از مشق کارهای «میرعماد» و «عمادالکتاب» آغاز کرده، نزد استاد «حسن میرخانی» آموزش دیده و همچنین جذب کتیبه‌ها و کشش خطوط ثلث و ریحان و محقق کتیبه‌ها بوده و در تمام زیست هنری خود همراه داشته است. او با تسلط و اتکابه نفس فوق‌العاده‌ای که دارد، تسلط بر بسیاری از خطوط را به صورت خودآموز بدون حضور به محضر استاد یافته، به قواعد و فنون سنتی خوشنویسی تفوق کامل داشته و به تکنیک‌ها و مهارت گرافیکی آن‌ها نیز مسلط است. از این‌رو ایشان با ذائقه‌ای خاص و نوجویی که از سنت خوشنویسی ایرانی نشأت گرفته در همه قالب‌های خوشنویسی سنتی طبع‌آزمایی کرده و آثار بی‌نقصی را آفریده است. سیاه‌مشق‌ها، چلیپاها و قطعات ایشان گواه این موضوع است (تصویرهای ۱ تا ۳). همچنین به همه وجوه مفهومی خوشنویسی مطابق قالب مورد نظر توجه ویژه داشته است (جدول ۱). احصایی استادی برآمده از سنت و آموخته فنون گرافیک مدرن است که گفتمان و مهارت خوشنویسی سنتی را با کاربست مدرن هنر به هم آمیخته است. هرچند او خود را در شمار هنرمندان سقاخانه نمی‌داند، اما هنر و گفتمان او تأییدی بر هنر لتریسیم سقاخانه بوده و از نخستین هنرمندانی است که گرافیسیم خط را به‌عنوان ارمغانی از دوره سنت به دوره مدرن آورده است. «احصایی یکی از پایه‌گذاران نقاشی - خط در ایران است و با مجموعه نقاشی - خط‌های خود اعتباری جهانی یافته است» (کشمیرشکن، ۱۳۹۰). او نقاشی - خط را به سیاق کارهای سنتی خود با رعایت همه اصول و قواعد خوشنویسی سامان می‌دهد.



تصویر ۳. محمد احصایی، سیاه‌مشق
کرونایی، مرکب روی کاغذ، تاریخ اثر:
۱۳۹۸. منبع:
<https://mohammadehsaei.com/>



تصویر ۲. محمد احصایی، چلیپا، مرکب
روی کاغذ. تاریخ اثر: ۱۳۷۰، منبع:
<https://mohammadehsaei.com/>



تصویر ۱. محمد احصایی، سیاه‌مشق،
مرکب روی کاغذ، تاریخ اثر: ۱۳۷۰.
منبع: <https://mohammadehsaei.com/>

جدول ۱. شناخت کلی آثار خوشنویسی سنتی، مدرن و سکولار محمد احصایی براساس حفظ مفاهیم واژه‌ها و معنویت در خوشنویسی.
منبع: نگارنده.

نوع آثار	قالب هنری	وجه ادبیت اثر	مواد اثرگذار	بستر اثر	خط	وضعیت خوشنویسی
سنتی	چلیپا	اثر در جهت وجه ادبی.	مرکب، جوهر رنگی	کاغذ	نستعلیق	رعایت قواعد و اصول خوشنویسی
	سیاه مشق	وجه ادبی در درجه چندم خلق اثر	مرکب، جوهر رنگی	کاغذ	نستعلیق	رعایت قواعد و اصول خوشنویسی
	سطنویسی	خلق اثر در جهت وجه ادبی	مرکب، جوهر رنگی	کاغذ	نستعلیق	رعایت قواعد و اصول خوشنویسی
	قطعه	خلق اثر در جهت وجه ادبی	مرکب، جوهر رنگی	کاغذ	نستعلیق	رعایت قواعد و اصول خوشنویسی
	مصحف نگاری	خلق اثر در جهت وجه ادبی	مرکب، جوهر رنگی	کاغذ	محقق، ریحان	رعایت قواعد و اصول خوشنویسی
مدرن	نقاشی خط با کاربست مدرن	وجه ادبی در درجه چندم اثر	رنگ روغن، رنگ اکرولیک، رنگ ماشین	بوم، کاغذ، ورق طلا، ورق الومینیوم	ثلث، ریحان، نستعلیق و خط تلفیقی	رعایت قواعد و اصول خوشنویسی
سکولار	نقاشی خط با کاربست مدرن	عدم وجه ادبی اثر	رنگ روغن، رنگ اکرولیک، رنگ ماشین	بوم، کاغذ، ورق طلا، ورق الومینیوم	ثلث، ریحان، نستعلیق و خط تلفیقی	رعایت قواعد و اصول خوشنویسی


تقسیم آثار سنتی و نقاشی - خط محمد احصایی

آثار محمد احصایی را می‌توان بر پایه گرایش به خوشنویسی سنتی، مدرن و سکولار طبقه‌بندی کرد. احصایی خوشنویسی است که سال‌ها نزد استادان خوشنویسی سنتی شاگردی کرده، تربیتی در فضای نظام آموزش سنتی داشته است. ولی دوره بالندگی و شکوفایی آفریده‌هایش را در دوره هنر مدرن تجربه کرده است. البته به اعتقاد منتقدان، خوشنویسی نمی‌تواند بیان هنری باشد. «... خط‌نویسی هنر نیست، از مقوله مهارت و فن است، اما کسانی بوده‌اند در تاریخ هنر ما چون میر علی هروی و میر عماد و درویش عبدالمجید و میرزاغلامرضا و کلهر و چون آنان که از این دستمایه به‌مدد نبوغ خود هنری والا آفریده‌اند» (مجابی، ۱۳۹۰) احصایی در آفرینش آثار سنتی کم از اساتید سلف خود ندارد و همه قالب‌های سنتی را با مهارت تمام، خلق می‌کند (تصاویر ۱ تا ۳) (جدول ۲). آثار او در وجه خوشنویسانه محض، به معنای صنعت، مشق و تکرار متوقف نمانده، بلکه دستمایه آفرینش و خلق آثاری شده که بیننده را به جهانی سرشار از زیبایی‌ها و مملو از نوآوری‌های گرافیک خط وارد می‌سازد. احصایی در حیات هنری خود دوره‌ای را به خوشنویسی سنتی پرداخته و در قالب‌های سنتی به خلق اثر دست زده است. پس از دوره آثار سنتی می‌توان به دوره مدرن در پویای هنری او اشاره کرد. در این مرحله به آفرینش آثاری گره‌مانند و کلاف‌های درهم‌تنیده خوشنویسانه دست زده است. آثار، او فضاهای پس‌زمینه و پلان جلو با تراکم و پراکندگی، ساختار خلاقانه‌ای از نقاشی خط را نمایش داده و عناصر بصری در گستره اثر در جهت القای مفاهیم و معانی واژگان، حروف، احادیث، آیات و مانند آن سامان یافته‌اند. «هنر احصایی با الهام از گرایش‌های مدرن، ریشه در هنر فارسی و اسلامی خطاطی داشت، که هنوز هم سنتی و «بیش از حد مقدس» محسوب می‌شود» (فولادوند، ۱۳۹۰). از نمونه‌های آن، دوره ابتدایی آفرینش آثار مدرن نقاشی خط یعنی آثار موسوم به «الفبای ازلی» براساس نمایش مفاهیم جملات، آیات و احادیث است.

جدول ۲. آثار خوشنویسی سنتی احصایی، براساس حفظ مفاهیم واژه‌ها و قواعد در خوشنویسی. منبع: نگارنده.

قالب هنری / ویژگی	آثار سنتی	
چلیپا / سنتی		
چلیپا / نوآورانه جهت نگارش سطرهای چلیپا		

آثار سنتی	آثار سنتی	آثار سنتی
<p>سیاه مشق / سنتی</p>		
<p>سیاه مشق / نوآورانه جهت نگارش، استفاده از دو ریتم متفاوت با رنگ متفاوت</p>		
<p>سیاه مشق / نوآورانه بهره‌گیری از جوهر مشکی و قرمز، تفاوت در ریتم های متفاوت</p>		
<p>سیاه مشق / نوآورانه</p>		
<p>سطر نویسی / سنتی</p>		

آثار هنری / وبژگی	آثار هنری
قطعه / سنتی	

بررسی برخی از آثار دوره مدرن احصایی؛ مجموعه «الفبای ازلی»

احصایی در مجموعه «الفبای ازلی» به بازتاب مفاهیم معنوی در فرم‌های خوشنویسی با رقص حروف و ایجاد خلاقیت در فضاها و پر و خالی براساس استعدادهایی که در فضاها خطوط ثلث و ریحان است، دست می‌زند. «... مجموعه «الفبای ازلی» را که معروف شده به مجموعه «الله» ببینید. این مجموعه نه مهارت خوشنویسی و ترکیب‌بندی را به‌تنهایی دارد و نه مهارت نقاشی گونه صرف در آن هست؛ همه این‌ها رنگ‌باخته و به‌جای آن حس حرکت، عشق و طراوت نشسته و سرانجام ذکری که حاصل می‌شود، در واقع ذکر تصویری است. به‌همین دلیل شما قاعده از پیش تعیین شده‌ای که معمولاً قواعد خطاطی است، در آن مجموعه نمی‌بینید و هندسه بومی و فنی در آن وجود ندارد» (احصایی، ۱۳۹۰). احصایی در آفرینش مجموعه کارهای «الفبای ازلی» به نگارش و ساخت واژه «الله» پرداخته و رقص قلم خود را بی‌محابا به فضاها بالنده سطح بوم پیوند زده و در بافتارهای گوناگون تجربه‌های متفاوت و مشابهی را می‌نگارد. ترکیب‌های چرخان واژه الله، ترکیب تک‌نگارانه، ترکیب دوواژه‌ای، ترکیب چهارتایی و مانند آن بر زمینه‌های گوناگون با تم‌های رنگی متفاوت و اکثراً مشکی، تلق خود را نسبت به هنر مدرن نشان می‌دهد. ولی در نمایش مفاهیم در آثار و رعایت اصول خوشنویسی در اجرا، از دایره هنر سنتی بیرون نمی‌افتد. او با دارا بودن شناخت نشانه‌سازانه در سابقه گرافیکی خود در مجموعه «الفبای ازلی» به لوگووارگی نگارش هر اثر هم می‌رسد. فرآیندی که هنرمند در ساخت هر واژه یا مجموعه‌واژه‌ها، طرحی چشم‌نواز، مستقل و جذاب می‌بخشد و آن را به‌لحاظ فضای منفی و مثبت واژه و مدیریت فضای پیرامونی آن، همه حرکت‌ها و ریتم‌سازها را برای القای فضای سنتی و معنوی اداره می‌کند و این تجربه‌ها در دیالکتیک پویا و گفت‌وگوی مدام فرم و فضای پیرامون گره «زیبایی‌شناسی سنتی، زیبایی‌شناسی‌ای است که هندسه آن از پیش‌ترها برای ما آرام آرام شکل گرفته است» (احصایی، ۱۳۹۰). احصایی با پافشاری بر هندسه سنتی و به‌رخ کشیدن زیبایی‌شناسی‌ای مقدس به سنتی بودن آثارش و نامیدنش به نیایش و ذکر تصویری تعلق خاطر دارد و آثارش را با کاربست هنر مدرن که با خود گفتمان اجرا را بیشتر مورد تأکید دارد، شکل می‌دهد. «نمونه موفق این خرده‌گرایش‌ها نمایشگاه الله‌های اوست که قبل از انقلاب اسلامی به‌نمایش در می‌آید و در آن قلم احصایی در فضای روحانی، سماعی معنوی آغاز می‌کند. کلمه مقدس از میان رنگ‌ها و تهرنگ‌های تیره‌فام زمینه، ناگهان با جنبش و تابشی انفجاری، تجلی می‌کند و با حجم گسترش‌یابنده و تعالی‌جویش، صحنه تابلوها را یکی پس از دیگری تسخیر می‌کند. اهتزاز وردگونه حروف که رقصان و پیچان در تب و تاب تجلی‌اند، در متن کمترین آرایش رنگی، به تابلوهای جذابی بدل می‌شوند که قدرت خود را مدیون خلق بداهه‌وار هنرمند در جذبه‌ای مؤمنانه هستند» (مجبایی، ۱۳۹۰). احصایی

آفرینش مجموعه «الفبای ازلی» و ذکر تصویری را که از دهه پنجاه خورشیدی آغاز کرده بود، تا سال‌های اخیر ادامه داده است. او همچنان در همان فضا و شیوه کار فعالیت می‌کند و در اکثر کارهایش به‌ویژه مجموعه «الفبای ازلی» از امکانات قلم ثلث، ریتم و پویایی آن بهره برده است. «محمد احصایی به بافت و ساخت حروف خط ثلث در ترکیب‌بندی‌هایش توجه بیشتری کرد و با توجه به خط بنایی و کاربرد خطوط تزئینی در کتیبه‌ها و سرلوحه‌ها توانست معماری خط را که انسجام هندسی چندهزارساله داشت در ترکیب‌بندی‌های آثارش شکلی هنری و جلوه‌های فرهنگی بخشد» (مجایی، ۱۳۹۰). احصایی دوره‌ای طولانی را صرف آفرینش آثار دوره مدرن خود کرده و در این بخش از کارهای خود دست به تجربه‌های گوناگون زده است که بخشی از آن «الفبای ازلی» را تشکیل داده است. در اینگونه کارها، به جهت کاربست آثار، نام مدرن بر آن نهاده‌ایم. آثاری که شامل درهم‌تنیده، نادرهم‌تنیده (مجزا)، لوگووار و قرینه‌گان است (تصاویر ۴ تا ۱۶).



تصویر ۵. محمد احصایی، «الفبای ازلی ش ۱۳»، چاپ نوارکوب مشکی و رنگ‌گذاری با اکریلیک، ۵۶ × ۷۶ سانتیمتر. منبع: <https://mohammadehsaei.com/>



تصویر ۴. محمد احصایی، عنوان: «قرأ باسم ربك»، جوهر روی کاغذ، ۲۳۰ × ۱۱۰ سانتیمتر، تاریخ اثر: ۱۳۵۵. منبع: مجموعه موزه هنرهای معاصر تهران.



تصویر ۶. محمد احصایی، از مجموعه «الفبای ازلی (سما)»، چاپ نوارکوب مشکی و رنگ‌گذاری با اکریلیک، ۱۳۰ × ۱۳۰ سانتیمتر، تاریخ اثر ۱۳۹۵. منبع: <https://mohammadehsaei.com/>



تصویر ۹. محمد احصایی، بدون عنوان،
رنگ روغن روی بوم، ۱۳۹۴،
۱۰۰×۱۰۰ سانتیمتر، مجموعه
خصوصی. منبع:
<https://mohammadehsaei.com/>



تصویر ۸. محمد احصایی، بدون عنوان،
۱۳۸۸، ۷۰×۷۰ سانتیمتر.
منبع: <https://mohammadehsaei.com/>



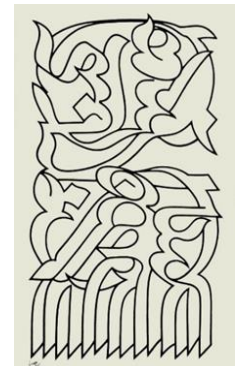
تصویر ۷. محمد احصایی، بدون
عنوان، ۱۳۸۴، مجموعه خصوصی.
منبع:
<https://mohammadehsaei.com/>



تصویر ۱۲. محمد احصایی، عنوان «عشق»،
رنگ روغن روی بوم، ۱۵۰×۱۵۰ سانتیمتر،
تاریخ اثر: ۱۳۸۶. منبع:
<https://mohammadehsaei.com/>





تصویر ۱۱. محمد احصایی، عنوان
«خداوندا مرا آن ده که آن به»، رنگ
روغن و ورق طلا روی بوم، ۱۷۱×۱۳۳
سانتیمتر، تاریخ اثر: ۱۳۹۳. منبع:
<https://mohammadehsaei.com/>



تصویر ۱۰. محمد احصایی،
عنوان «دوستی»، ۱۳۵۳،
رنگ روغن روی بوم. منبع:
موزه هنرهای معاصر کرمان.

جدول ۳. طبقه‌بندی آثار نقاشی خط، مدرن احصایی براساس حفظ مفاهیم واژه‌ها و معنویت در خوشنویسی. منبع: نگارنده.

آثار مدرن	قالب هنری / ویژگی
	<p>الفبای ازلی / تاکید بر وجه ادبی، ذکر تصویری، رعایت اصول خط ترکیب بندی، فرم، رنگ در بافتار</p>
	

آثار مدرن	قالب هنری / ویژگی
 	<p>درهم تنیده/ دارای وجه ادبی، رعایت اصول خوشنویسی بافت توده وار خط به معنای فرم اصلی</p>
 	<p>نا درهم تنیده/ دارای وجه ادبی، رعایت اصول خوشنویسی بهره هوشمندانه از فضای پر و خالی</p>
 	<p>نشانه‌وار/ دارای وجه ادبی، رعایت اصول خوشنویسی نشانه‌وارگی، بهره هوشمندانه از فضای پر و خالی</p>
 	<p>درهم تنیده همراه قرینه‌گی/ دارای وجه ادبی، رعایت اصول خوشنویسی بهره از وجه قرینه گی و دقت در فضای منفی و مثبت</p>

آثار دوره سکولار

در ایران زنده‌رودی پیشگام تجسم هنر سکولار در مکتب سقاخانه است. اما بحث جنبش لتریسیم در هنر اروپا و پیروی هنرمندان مدرن و جنبش سقاخانه در ایران بسیار ریشه‌دار است که با توجه به جایگاه خوشنویسی و توجه هنرمندان سنتی به عناصر خوشنویسانه در آثار بسیار حائز اهمیت است (تصویر ۱۳). در این راستا، احصایی با داشتن روحیه و منش هنر سنتی و رویکرد هویت‌مدار، در قاطبة کارهایش، با نگاهی ساختارمند و مدرن، در فضای خوشنویسی سنتی، خلق اثر کرده و در برابر گرایش سنت‌گرایز جنبش سقاخانه‌ای، به‌لحاظ عدم تبعیت از اصول خوشنویسی و نیز حذف وجه ادبی حروف و واژه‌ها، فعالیت داشته است و در اکثر کارهایش وفاداری به اصول قواعد خوشنویسی و حفظ وجه ادبی و مفاهیم واژه‌ها را به‌عنوان پیام اثر هنری خود هویدا کرده است. این مسأله را نیز باید یادآوری کرد که گرایش دوم هنرمندان خوشنویس جنبش سقاخانه که به پیشگامی حسین زنده‌رودی شکل گرفت، دو وجه یادشده جنبش لتریسیم ایران را در خود نداشت. «[حسین زنده‌رودی] سبک نگارشی نومایه‌ای

پدیدآورد که با درخشندگی در فضای پرجنب‌وجوش «انتزاع تغزلی» آن زمان، در جایی میان کنش آزاد «هنرغیرصوری» و دیالکتیک دال/مدلول «لتریسیم» تثبیت شد» (رستانی، ۱۳۸۰، ۱۹) باید یادآور شد که زنده‌رودی خوشنویس نبود و به وجوه ادبی، شأن واژه‌ها و مفاهیم آن‌ها اعتنائی نداشت. او لتریستی بود پرتوان و خلاق که از وجه صوری خوشنویسی و کارکرد تزئینی آن بهره برد و محتوای مذهبی-ادبی‌اش را حذف کرد و عناصر خوشنویسانه را برای آفرینش فضاهای انتزاعی و ریتمیک مورد استفاده قرار داد (تصویر ۱۸) «نزدیکترین رویکرد به شکل‌های امروزی بیان هنری‌ای که می‌توان آن را «کلمه-هنر» نامید، رویکرد دادائستی بود. یکی از اجزای برنامه هرج و مرج طلبانه و هیچ‌انگارانه دادائست‌ها عاری ساختن کلمات از معنا یا دست‌کم بی‌اهمیت کردن آن‌ها تا حد من و من کردن بچگانه و نظم تازه و حیرت‌انگیز دادن به آن‌ها بود؛ اما همچنان که تقریباً همیشه پیش می‌آید و یک شیوه برخورد منجر به ضد خود می‌شود، در این مورد نیز انگیزه‌های قدرتمند شد برای بررسی بسیار دقیق بافت و ساخت کلمات -در همان اوان هم دادائست‌ها سرگرم آفرینش کلمه-تصویرهای بسیار دلپذیر بودند «(آرناسون، ۱۳۷۵، ۵۸۶). اما احصایی در بخشی از حیات هنری خود به تجربه‌های هنر سکولار دست زد که نوعی همدلی با تجربه‌های دادائستی در خلق بافتارهایی با تم سحرانگیز خوشنویسی محسوب شده و در نوع خود تجارب جذاب و هیجان‌انگیزی قلمداد می‌شوند (تصاویر ۱۴ تا ۱۷) و (جدول ۴). حذف وجه ادبی از اثر خوشنویسی که در آغاز با حرکت هنرمندان «میرزا غلامرضا اصفهانی» در تبدیل سیاه‌مشق تعلیمی به سیاه‌مشق هنری صورت گرفت، راه را برای آفرینش هنر فرم محور سکولار گشود. وجوه معنوی و عرفانی آثار احصایی به سهم خود فرمی را در ذهن مخاطب القا می‌کند که مفاهیمی حکمت‌آمیز مبتنی بر ذکر و فضای معنوی کتیبه‌نگاری را می‌سازد. «من فکر می‌کنم جایی که قرار است تزئین شود دیگر «خواندن» مطرح نیست. همین که خط حالت عرفانی را القا می‌کند برای من کافی است» (مجابی، ۱۳۹۰).



تصویر ۱۵. محمد احصایی، بدون
عنوان، اکریلیک روی بوم،
۱۷۰×۱۳۳ سانتیمتر، تاریخ اثر:
۱۳۹۶. منبع:
<https://mohammadehsaei.com/>



تصویر ۱۴. محمد احصایی، عنوان: «صفحه»
سرخ»، ۱۳۵۳، ۱۲۲×۸۲ سانتیمتر، رنگ
روغن روی بوم، مجموعه شخصی محمد
احصایی. منبع:
<https://mohammadehsaei.com/>



تصویر ۱۳. حسین زنده‌رودی،
عنوان: «ه هوز، هانسدل»، رنگ
روغن روی بوم، ۱۵۰×۱۲۰
سانتیمتر، تاریخ اثر: ۱۳۶۱.
منبع: وبسایت حراج تهران.






تصویر ۱۷. محمد احصایی، عنوان: «نرگس شیراز (۱۳۵۵)»، رنگ روغن روی بوم و ورق زر، ۷۰×۱۰۰ سانتیمتر، تاریخ اثر ۱۳۹۳. منبع: <https://mohammadehsaei.com/>



تصویر ۱۶. محمد احصایی، عنوان: «گل سنبل نوروژ»، رنگ روغن روی بوم، ۱۰۰×۱۳۰ سانتیمتر، تاریخ اثر ۱۳۹۴. منبع: <https://mohammadehsaei.com/>

جدول ۴. طبقه‌بندی آثار نقاشی خط سکولار محمد احصایی، براساس حذف مفاهیم واژه‌ها در خوشنویسی. منبع: نگارنده.

آثار سکولار	وضعیت خوشنویسی / خط	قالب هنری / ویژگی
	به کارگیری خوشنویسی سنتی، رعایت اصول و قواعد خوشنویسی / نسخ و ثلث	درهم تنیده/ ترکیب بندی، فرم، رنگ در بافتار، حرکت فرم به سوی تصویر
	به کارگیری خوشنویسی سنتی، رعایت اصول و قواعد خوشنویسی / ثلث و نستعلیق	مجزا/ ترکیب بندی، فرم، رنگ در بافتار، حرکت فرم به سوی تصویر
	به کارگیری خوشنویسی سنتی، رعایت اصول و قواعد خوشنویسی / ثلث	درهم تنیده/ بهره هوشمندانه از فضای پر و خالی

آثار سکولار	وضعیت خوشنویسی / خط	قالب هنری / ویژگی
	به کارگیری خوشنویسی سنتی، رعایت اصول و قواعد خوشنویسی / ثلث	نشانه وار / ترکیب بندی، فرم، رنگ در بافتار، حرکت فرم به سوی تصویر
	به کارگیری خوشنویسی سنتی، رعایت اصول و قواعد خوشنویسی / نستعلیق	درهم تنیده / ترکیب بندی، فرم، رنگ در بافتار، حرکت فرم به سوی تصویر
 	به کارگیری شمایی از خوشنویسی سنتی / تلفیقی	درهم تنیده / ترکیب بندی مرکزی، فرم، رنگ در بافتار،

اینک پرسش این است که آفرینش هنری محمد احصایی به چه دوره‌هایی بخش می‌شود و محورهای مفاهیم و مضامین آثار او بر چه موضوعاتی قرار می‌گیرد؟ اکنون می‌توان به‌صراحت گفت که محمد احصایی که دوره آموزش خوشنویسی را نزد استادان تراز اول خوشنویسی آموخته، در خلق آثار خوشنویسی سنتی شامل آثاری در قالب‌های چلیپا، سیاه‌مشق، معرقعات ترکیبی و ... کارهای زبده‌ای آفریده است. سپس او در جنبش سقاخانه به‌خلق آثار مدرن بر بوم با شیوه و کاربست مدرن دست یازیده است؛ اما آثار مدرن او دارای دو ویژگی شامل رعایت متعصبانه قواعد خوشنویسی سنتی و بازتاب مفاهیم ادبی جملات در اثر، برگرفته از سنت خوشنویسی را با خود دارد. می‌توان آثار «الفبای ازلی» و آثار درهم‌تنیده را مثال خوبی برای آثار دوره مدرن شمرد (جدول ۳). همچنین او در گذر از دوره مدرن و آفرینش آثاری که فاقد وجه ادبی و مفهوم‌محوری بوده، در عوض، با اعتنای وافیه، به فرم و فیگور بیرونی اثر، پرداخته است. آثار سکولار احصایی همچنان برسیاق خوشنویسی اصولی و رعایت مو به موی قواعد بنا شده است. اما مفاهیم برآمده از واژگان و جملات خطاطی شده حذف شده‌اند و حروف و واژگان به‌واسطه رساندن مفهومی معنوی درکنار هم قرار نگرفته‌اند. اختلاف آثار سکولار احصایی با دیگرانی مانند آثار حسین زنده‌رودی که در زمینه نقاشی - خط دست به خلق زده‌اند، در این است که آثار زنده‌رودی فاقد دو وجه رعایت اصول و قواعد سنتی خوشنویسی و داشتن مفهوم ادبی اثر است. حال آنکه در آثار نقاشی خط احصایی چه با مفهوم ادبی و چه فاقد آن از رعایت اصول و فنون خوشنویسی عدول نشده است. تجربه، تبحر و داشتن دستی محکم در نگارش خطوطی که خود در وجوه درونی خطاطی وجهی غیر قابل کتمان است، در آثار احصایی بسیار مشهود

است. ویژگی‌ای که به قول «باباشاه اصفهانی» به چشم بیننده نور می‌افزاید و مخاطب خود را شور می‌آورد و انگیزه تماشای آثارش را دو چندان می‌نماید. همچنین لازم به یادآوری است که احصایی در آثار مدرن و سکولار خود از رنگ با شیوه سنتی استفاده می‌کند (جدول ۴).

نتیجه‌گیری

از آنچه بیان شد، می‌توان حیات هنری محمد احصایی را در سه بخش طبقه‌بندی کرد. این سه بخش عبارتند از: بخش سنتی، بخش مدرن و بخش سکولار. احصایی در بخش سنت همه قالب‌های خوشنویسی سنتی شامل سطرنویسی، چلیپا، سیاه‌مشق، قطعه، کتابت و مصحف‌نگاری را به کمال نگاشته است. کیفیت کارهای بخش سنتی وی، او را در حد استادان پیشین چون میرعماد، میرزا غلامرضا اصفهانی و عمادالکتاب در صدر می‌نشانند. بخش مدرن آثار او، شامل مجموعه «الفبای ازلی»، آثار مجزا، درهم‌تنیده، ترکیب‌بندی‌های لوگووار، آثار شاعرانه و کارهای متقارنی است که با الگو قرارگرفتن خط معماری، هندسه و زیبایی‌شناسی اسلامی به ایده وحدت‌الهی در قالب بازنمایی هنری از طریق هارمونی رسیده است. در فرهنگ دینی، شیوه تکرار واژه‌ها و فرم‌ها، مفهوم یادآوری و ذکر را به‌خاطر متبادر می‌کند، از این‌رو مجموعه «الفبای ازلی» همواره مبین تجسمی ذکر خدا و فضای حضور قلب را با خود دارد. در مجموع از نظر نقد اجتماعی، آثار نقاشی خط وجهی اجتماعی و کاربردی نمی‌یابند و تنها در شمار هنرهای تزئینی و اشیای زیبا جای می‌گیرد. آثاری که عناصر خوشنویسانه به‌شکل خارق‌العاده‌ای در آن‌ها به‌هم گره خورده‌اند و با دقت تمام حروف و واژه‌ها درهم بافته شده‌اند. واژه‌ها در سه لایه یا بیشتر روی هم قرار گرفته، لبه‌ها، تشمیرها و بدنه آن‌ها از زیر و روی هم بیرون زده‌اند. برخی حروف در زیر دیگری پنهان شده و در جهت دیگر نمایان می‌شوند و در یک کلاف زیبا و دوست‌داشتنی، دیده‌جست‌وجوگر بیننده را به عمق و روی اثر در نوسان و پویای قرار می‌دهد و از خستگی و دلزدگی مخاطب می‌کاهد، از این‌رو مخاطب را به کنه آسترگی در لایه‌های برهم و موازی در اثر به‌لحاظ ساخت و نه به‌لحاظ حذف روایت رهنمون می‌کند. افزون‌بر این احصایی پیشگام حرکتی است که میاندار و پیوندزننده جهان سنت و وجه صورت‌بندی هنر مدرن است. او در آثار مدرنش به‌لحاظ کاربست آستره، روایت را حذف نمی‌کند و به‌رغم مستولی شدن سیالیت عناصر و فضا، ماهیت ریتمیک عناصر خوشنویسانه، از دایره اصول و قواعد مقدس‌وار خوشنویسی عدول نمی‌نماید. خوشنویسی منحصره‌فرد او در قالب نقاشی خط از نوعی سیالیت و روانی اعجاب‌انگیزی برخوردار بوده که با عناصر متقارن در فضای اثر، به رازوارگی خط نزدیک می‌شود. بخش دیگر کار او بازنمود عناصر خوشنویسانه با حذف روایت و مفاهیم ادبی حروف و واژه‌ها بوده که می‌توان عنوان هنر سکولار بر آن نهاد. احصایی در این آثار تنها حروف و واژه‌ها را بر بوم نگاشته و با همان کاربست آستره مدرن، اما اصول و قواعد سنتی خوشنویسی را از کف نداده و فرم و فیگورهای حروف را فدای ترکیب‌بندی اثر نکرده است. شاید او اگر بخواهد هم نتواند از قواعد خوشنویسی که عمری بر سر تبحر آن صرف نموده گذر کند. آثار سکولار احصایی که خود تجربه بی‌نظیری را در پی داشته، شاید به تعداد انگشتان دو دست نرسد، ولی برای احصایی که مرد تجربه‌های بی‌شمار در میدان نقاشی خط با به‌کارگیری قواعد سنتی بوده، ارزشمند است. ریتم و آهنگی ویژه، نسجی تازه و خوش‌تراش آثار احصایی بیننده را به خود می‌خواند. در تابلوها او تصور کتیبه‌ای جذاب در بدنه معماری، به‌لحاظ زیبایی و صلابت تاریخی، آثار سرآمدان هنر سنتی را به ذهن متبادر می‌سازد. او آموزه‌های گرافیک مدرن را با تجربه‌های یک استاد خطاط سنت‌گرا به یک کل منسجم مبدل می‌کند و همچنین نائل به یافتن رموز پنهانی خط، شهود هنری نهفته در سیاه‌مشق‌های میرزاغلامرضا

اصفهان می‌شود. در قاطبه کارهای احصایی، از نظر بصری فضای پر و خالی، ترکیب‌بندی و پویایی در پیش و پس‌زمینه اثر، ارزشی بیانی یافته، بیننده را دعوت می‌کند تا در هیچ یک از عناصر و کنش‌های بصری متشکله اثر خیره نماند. سبک و پروانه‌وار به همه گوشه‌کنار، تورفتگی‌ها و بیرون‌زدگی‌های حروف در گره‌ها سر بکشد و بازیگوشانه با حروف از پلان جلو به انتهای لایه‌های بر هم منطبق حرکت کند. ریتم و سیالیت اثر در یک بافتار هماهنگ بیننده را به‌همراه می‌برد. همان اندیشه‌ای که آستره مدرن را از روایت ادبی واژه‌ها بی‌نیاز می‌کند. ولی احصایی در آستره مدرن متأثر از لتریسم به مفاهیم و وجه ادبی واژه‌ها هم اهمیت می‌دهد و فضای کلی اثر به‌لحاظ توازن فرم و رنگ را از بافت متن می‌گیرد. از این‌رو فرم در خدمت متن قرار می‌گیرد. سبک آثار احصایی در بافتار امپرسیونیسم انتزاعی و نقاشی‌هایش نیز انتزاع پسانقاشانه اروپایی دهه ۱۹۶۰ را می‌نمایاند. خوشنویسی و ترکیب‌بندی‌های آستره شده او این نظر را قوت می‌بخشد. اما حذف نشدن روایت خود ایده تازه‌ای را در جنبش لتریسم تداعی می‌کند. دقت در آثار مدرن احصایی مفاهیم پیشینی حکمت و فرهنگ اسلامی را یادآوری می‌کند. آثار احصایی به یاری نوبافتارسازی و کوشش در به‌چالش کشیدن مداوم قید و بندهای خوشنویسی سنتی، کنشی منحصر‌به‌فرد محسوب می‌شود. فروش آثار احصایی در حراج‌های داخلی و جهانی بر آفرینش آثار او هم تأثیرگذار بوده است. هنرمند پس از فروش کارهای خود در حراج‌های هنری، ردیابی لازم را برای تولید کارهای مورد پذیرش خریداران انجام داده، در جهت جلب سرمایه‌گذاران حرکت کرده است که رد اکسپوهای هنری را در تولیدات پس از آن می‌توان بررسی کرد. برای نمونه، می‌توان به نمایشگاه آبان ۱۴۰۰ اشاره کرد که هنرمند آثار منتخب خود را چاپ کرده در شمارگان محدود با امضای خود به‌فروش رسانده است. بدیهی است که اینگونه تأثیرات بازار هنر بر کنش هنرمند به ارتقای او منجر نخواهد شد.

مشارکت‌های نویسنده

این پژوهش بدون مشارکت است.

تقدیر و تشکر

این پژوهش فاقد قدردانی و تشکر است.

تضاد منافع

نویسنده (نویسندگان) هیچ تضاد منافع احتمالی پیرامون تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله را اعلام نکردند.

منابع مالی

نویسنده (نویسندگان) هیچ گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکردند.

پی‌نوشت

۱. میرعلی تبریزی: (درگذشت ۸۵۰ هـ ق) با لقب «فدوه‌الکتاب» (به‌معنی پیشگام خوشنویسان) از مفاخر خوشنویسی ایرانی در سده هشتم و نهم هجری که او را واضع و مبدع خط زیبای نستعلیق می‌دانند.

۲. سلطانه‌لی مشهدی: (۸۴۱-۹۲۶ ه.ق/۱۴۳۵-۱۵۲۰م) معروف به «سلطان الخطاطین» از خوشنویسان ایرانی است. او از معروف‌ترین نستعلیق‌نویسان قرن نهم و دهم است.
۳. میرعلی هروی: (درگذشت: ۹۵۱ ه.ق/۱۵۴۴ م) به «کاتب سلطانی» معروف بوده از سرآمدان نستعلیق‌نویسان بزرگ قرن دهم هجری است که خط او از نظر رعایت اصول، استحکام و همواری، صفا و شأن، تعیین کرده‌اند.
۴. باباشاه اصفهانی: معاصر شاه عباس صفوی و از معروف‌ترین خوشنویسان سده دهم بوده است. رساله «آداب‌المشق» به‌عنوان مهم‌ترین متن آموزشی از آثار باباشاه اصفهانی است.
۵. میرعماد حسنی قزوینی: (۱۵۵۴-۱۶۱۵ میلادی/ ۹۶۱-۱۰۲۴ ه.ق)، خوشنویس پرآوازه و از بزرگان خوشنویسی ایران و گفته‌اند که بزرگترین خوشنویس در خط نستعلیق است.
۶. علیرضا عباسی: استاد خوشنویسی ایرانی بود معروف به «شاهنواز خان» بوده است. او خط نسخ و ثلث را با استادی فن می‌نوشت و در خط نستعلیق شیوه‌ای ویژه خود داشت.
۷. عبدالرشید دیلمی: (درگذشت ۱۰۸۱ ه.ق) از نستعلیق‌نویسان بزرگ سده یازده هجری در ایران و هند قلمداد می‌شود. او خواهرزاده و شاگرد میرعماد بود.
۸. میرزااحمدرضا کلهر: (زاده ۱۲۰۸، وفات ۱۲۷۱، تهران) از خوشنویسان بزرگ نستعلیق در زمان قاجار بود. که شیوه‌ای ویژه برای سازگاری با صنعت نوپای چاپ سنگی در نستعلیق‌نویسی ایجاد کرد.
۹. میرزا غلامرضا اصفهانی: (۱۲۴۶-۱۳۰۴ ه.ق) از نستعلیق‌نویسان بزرگ ایرانی دوره قاجار بود. میرزا غلامرضا سیاه‌مشق را از مشق تمرینی به‌عنوان یک قالب مستقل و اثر هنری به اوج رساند.
۱۰. سید علی اکبر گلستانه: (۱۲۷۴-۱۳۱۹ ه.ق) خوشنویسان بزرگ خط شکسته نستعلیق است. پژوهشگران و اساتید او را از زنده‌ترین شکسته‌نویسان ایران می‌دانند.
۱۱. درویش عبدالمجید طالقانی: (۱۱۵۰-۱۱۸۵ ه.ق) استاد بزرگ شکسته نستعلیق بوده است. او در خط شکسته مانند میرعماد در نستعلیق استاد بوده است. درویش عبدالمجید شکسته را به پایه‌ای از مهارت رسانید که تاکنون کسی بدان نتوانسته، برسد.
۱۲. عمادالکتاب سیفی قزوینی: در قزوین در ۲۷ فروردین ۱۲۴۰ شمسی (۱۲۸۵ قمری) متولد شد و غالب عمرش به کتابت و آموزش خط نستعلیق گذراند.
۱۳. برادران میرخانی: سید حسین (۱۲۸۶-۱۳۶۱ ه.ش) و سید حسن میرخانی (۱۲۹۱-۱۳۶۹) از خوشنویسان بزرگ و اساتید صاحب سبک در خط نستعلیق معاصر و از بنیان‌گذاران، رئیس و استادان ارشد انجمن خوشنویسان ایران بودند.
۱۴. انجمن خوشنویسان ایران: با همت استادان سید حسین میرخانی و علی اکبر کاوه، ابراهیم بوذری و سید حسن میرخانی، با تلاش دکتر مهدی بیانی پژوهشگر و استاد دانشگاه و با همکاری وزارت فرهنگ و هنر وقت، در تاریخ ۱۹ شهریور ماه ۱۳۴۶ آغاز به کار کرد.

15. Letterism
16. Tachism
17. Expressionist
18. Dadaism
19. Calligraphy
20. Abstract impressionism
21. Post-painting abstraction

منابع

- احصایی، محمد. (۱۳۹۰). محمد احصایی، من بی‌خویشتن، گفتار هنرمند. هنر فردا. (۲۸+۶)، ۲۳.
- آرناسن، یوروارد هاروارد. (۱۳۷۵). تاریخ هنر مدرن، نقاشی، پیکره‌سازی و معماری در قرن بیستم (ترجمه مصطفی اسلامیه). تهران: آگاه.
- پاکباز، روئین. (۱۳۷۸). دایره/معارف هنر (مدخل «نقاشی نو در ایران»). تهران: فرهنگ‌معاصر.
- روانجو، احد. (۱۴۰۱). جستاری در جنبش هنر نوگرایی ایران در نقاشی خط (بر پایه گرایش به سویه‌های هنر سنتی و مدرن). پیکره، ۱۱(۲۸)، ۵۳-۶۶. Doi: <https://doi.org/10.22055/pyk.2022.175400>
- علی‌محمدی‌اردکانی، جواد و پژوهش‌فر، پرنیا. (۱۳۹۴). تحلیل بازنمود رویکرد سنت‌گرا در آثار نقاشی خط دهه هشتاد ایران. نشریه نگره، (۳۵)، ۷۸-۹۱.

- فولادوند، هنگامه. (۱۳۹۰). کشف و شهود نوگرای محمد احصایی در شکل و محتوای خوشنویسی. دسترسی (۴ ژانویه ۲۰۲۴) <https://mohammadehsaei.com/articles-interviews>
- قلیچ‌خانی، حمیدرضا. (۱۳۹۴). نقاشی، نقاشی - خط یا خط - نقاشی. دو هفته‌نامه تندیس. ۴، ۳۰۲.
- کشمیرشکن، حمید. (۱۳۹۰). محمد احصایی، نقاش و گرافیسیت. هنر فردا، (۶+۲۸).
- مجابی، جواد. (۱۳۹۰). چندوچونی در آثار محمد احصایی. بخارا، ۲۷ (۱۴۹)، ۲۲۹-۲۳۵.
- مهاجر، مهران. (۱۳۹۰). متنیت در هنر ایران (گفت‌وگوی بهنام کامرانی با آغداشلو و مهران مهاجر). هنر فردا، (۲۸+۵)، ۱۱۶-۱۱۲.
- هاشمی‌نژاد، علیرضا. (۱۳۸۲). آسمانی و زمینی (گفت‌وگو با آیدین آغداشلو). تهران: انتشارات کتاب آبان.